

روزنامه ایران در گزارشی به فعالیت دفتر ولنجک محمود احمدی نژاد پرداخته است، دفتری که این روزها شاهد رفت و آمد اشخاص مختلف است و خبرهای ضدو نقیضی از هزینه اداره آن منتشر می شود.

رفت و آمدهای «ولنجک» از نمای نزدیک؛



به گزارش اسپادانا، یک پایگاه خبری متعلق به نزدیکان احمدی نژاد نوشته است: «یک انتقاد جدی به دکتر احمدی نژاد در این زمینه وارد است که چرا در آن هشت سال نتوانست به اندازه یک دفتر شخصی، پول جمع کند. ایشان می توانست از رانتی، ردیف بودجه ای، پاداشی یا حق مأموریتی استفاده کند تا الان با هزینه شخصی و مشخص یک دفتر کار داشته باشد.» این ادعاها در شرایطی مطرح می شود که پرونده های کلان مالی متعددی افشا شده که نام برخی دولتمردان پیشین و اطرافیان آنان، مستقیم و غیرمستقیم در میان متهمان مطرح است.

ادعای میرتاج الدینی درباره تأمین حقوق کارکنان ولنجک
محمدرضا میرتاج الدینی، معاون پارلمانی رئیس دولت دهم گفته خود مبنی بر «تعلق ساختمان ولنجک به نهاد ریاست جمهوری» را تکذیب کرد و به «ایران» گفت: در سال آخر فعالیت دولت گذشته، برای ساختار دفتر رئیس جمهوری سابق 10 یا 12 پست کارشناسی یا مدیریتی تعریف شد که هنوز لغو نشده است. این ساختار در بودجه نمی آید و در مجموعه نهاد ریاست جمهوری است. مطابق آن، هر کسی که در این سمت هاست، حقوق و مزایای خود را از نهاد ریاست جمهوری می گیرد. بنابراین منظور از بودجه دفتر رئیس جمهوری سابق، این حقوق و مزایای این کارشناسان است. وی همچنین اظهار کرد: رئیس جمهوری سابق که نباید خانه نشین شود؟ اگر این ساختار بسته شود، ناشی از تنگ نظری است و اگر در دولت هشتم هم این ساختار برداشته شده، من با آن هم مخالفم.»

میرتاج الدینی در پاسخ به این پرسش که احمدی نژاد مانند هر فعال سیاسی می خواهد به قدرت برگردد، آیا هزینه های این فعالیت ها باید از بودجه نهاد ریاست جمهوری تأمین شود؟ گفت: «فعالیت های سیاسی و حزبی در چارچوب دفتر رئیس جمهوری سابق نمی گنجد و هرکس که می خواهد فعالیت سیاسی داشته باشد، باید برای خود برنامه دیگری داشته باشد و قطعاً هواداران و یارانی دارند که این هزینه ها را تأمین کنند.

مالک ساختمان به روایت سایت حامی دولت
چندی پیش یک پایگاه خبری متعلق به نزدیکان محمود احمدی نژاد، عنوان کرد ساختمان ولنجک در مالکیت بنیاد مستضعفان و جانبازان است. یک منبع نزدیک به احمدی نژاد در گفت و گو با «ایران» ضمن تأیید خبر واگذاری ساختمان «ولنجک» به احمدی نژاد از سوی بنیاد مستضعفان، به اتهامات درباره منابع تأمین مالی فعالیت های رئیس دولت سابق پاسخ روشنی نداد. وی البته وجود تشکیلاتی تحت عنوان دفتر رئیس دولت سابق در گذشته را تأیید کرد، تشکیلاتی که 11 پست سازمانی برای آن تعریف شده بود، اما به این سؤال پاسخ نداد که چرا باید چنین هزینه هایی از بودجه نهاد ریاست جمهوری و بیت المال تأمین شود؟

سایت مذکور نیز در ادعای مشابهی نوشته است: «یک انتقاد جدی به دکتر احمدی نژاد در این زمینه وارد است و آن اینکه چرا در این هشت سال که رئیس جمهوری بود، نتوانست به اندازه یک دفتر شخصی، پول جمع کند ... ایشان می توانست در این هشت سال از رانتی، ردیف بودجه ای، پاداشی، حق مأموریتی و ... استفاده کنند تا الان با هزینه شخصی و مشخص! یک دفتر

کار داشته باشند.» این ادعاها در شرایطی مطرح می‌شود که پرونده‌های کلان مالی متعددی افشا شده که نام برخی دولتمردان پیشین و اطرافیان آنان، مستقیم و غیرمستقیم در میان متهمان مطرح است.

«ولنجک!» آخر تهران است، با ساختمان‌های مرتفع و خودروهای لوکس. آن سوی ولنجک، تنها کوه است و زیر پایش، تهران بزرگ با همه جزئیات پیداست. پیش‌ترها، اغلب رفت و آمد به ولنجک، به خاطر رسیدن به توجال و بام تهران بود یا دانشگاه شهید بهشتی. اما از دو سال پیش، نام ولنجک وارد رسانه‌های سیاسی هم شده است؛ البته نه به دلیل حضور سفارتخانه‌های متعدد در این منطقه مرتفع و مجلل شهر، بلکه به علت استقرار دفتر رئیس دولت سابق در این بخش از پایتخت.

اگر اهالی منطقه، هنوز دولتمردان دولت قبل را به خاطر داشته باشند، می‌توانند آنان را در خودروهایشان بشناسند که برای رفتن به دفتر رئیس‌جمهوری سابق، به ولنجک آمده‌اند، یاران نزدیک تقریباً هر روز و وزیران و مدیران دولت سابق، هر از گاهی. در خیابانی شمالی - جنوبی، با درختان بلند و سبز و جوی آبی روان، درست مقابل سفارتخانه یک کشور آفریقایی، دفتر رئیس‌جمهوری سابق قرار دارد. حیاط سبز، منجر و وسیع دفتر رئیس‌جمهوری سابق، کنار طبیعت سبز منطقه، جای خوبی برای دورهمی‌ها و گردهمایی‌های یاران و هواداران دولت سابق است.

جز یک شماره انگلیسی روی دیوار، نشانه دیگری نیست، نه تابلویی و نه باجه نگهبانی. اما معنای این وضعیت، آن نیست که همگان می‌توانند به آسانی وارد ساختمان شوند. دوربین‌های متعدد اطراف ساختمان و پنجره‌های جنوبی که به تازگی با آجر پوشانده شده است، از نشانه‌های ویژه و خاص بودن آن است؛ ساختمانی سه طبقه، با نمایی نیمه‌چوبی.

آمدگان و روندگان
از بیرون، همه چیز معمولی است، اما یک ساعت حضور در نزدیکی‌ها، بویژه اگر چهارشنبه باشد، حجم زیاد رفت و آمد به این ساختمان را روشن می‌کند. این آمدن‌ها و رفتن‌ها به دفتر رئیس‌جمهوری سابق که یارانش مدعی هستند همچنان می‌خواهد رئیس‌جمهوری سابق باقی بماند، جلب توجه می‌کند. البته همه آمدگان و روندگان دفتر رئیس‌جمهوری سابق، منحصر به یاران و نزدیکان وی است.

علی‌اکبر جوانفکر، عباس امیری‌فر، عبدالرضا داوری و مرتضی تمدن از چهره‌هایی هستند که اغلب به ولنجک می‌آیند، بویژه چهارشنبه‌ها و ساعت‌های متمادی را در دفتر حضور دارند. حتی می‌توان مریم مجتهدزاده، رئیس مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در دولت دهم را دید که چهارشنبه از محل کار خود در صدا و سیما به ولنجک می‌آید. یاران و نزدیکان احمدی نژاد می‌گویند اینجا تنها دفتر رئیس‌جمهوری سابق است و جایی برای رتق و فتق امور اجرایی گذشته و باقی مانده. اما چرا از همه آن مسئولان و کارهای اجرایی، تنها حلقه نزدیک و یاران دیروز و امروز، به ساختمان می‌آیند و می‌روند؟ می‌گویند در دفتر کار سیاسی نمی‌شود، اما چهارشنبه‌ها فضای آن کوچه پردرخت، بوی سیاست به خود می‌گیرد. گویی خانه نارمک، برای کم شمار، مردم عادی طراحی شده، برای مراجعانی که فکر می‌کنند هنوز احمدی نژاد می‌تواند گره‌ای از کارشان بگشاید. اما اینجا در ولنجک، اقربا رفت و آمد دارند، آنانی که طعم شیرین با احمدی نژاد بودن را چشیده‌اند و می‌کوشند تا تکرار آن روزها، از رؤیا به واقعیت تبدیل شود.

همسایه جدیدتان را می‌شناسید؟

از یکی از همسایه‌ها در کوچه روبه‌روی دفتر، پیش از آنکه وارد خانه‌اش شود، می‌پرسم: می‌دانید دفتر احمدی نژاد اینجا است؟ می‌داند و احمدی نژاد را هم هر از گاهی می‌بیند، اما چیز بیشتری نمی‌گوید. می‌پرسم با او صحبت هم کرده‌اید؟ می‌گوید: «سؤال‌های خطرناک سیاسی نپرس» و در را می‌بندد. با نگهبان باجه دیپلماتیک سر صحبت را باز می‌کنم. می‌دانست دفتر احمدی نژاد آن روبه‌روست. چیز زیادی نمی‌گوید. اما پس از گذشت ساعتی، رفت و آمدهای مکرر به دفتر او را به حرف زدن و می‌دارد. می‌پرسد: «امروز اینجا چه خبر است؟» «محمد» با دستانی پر از خواربار، از خرید می‌آید. سرایدار یکی از خانه‌های منطقه است. می‌دانست آنجا دفتر احمدی نژاد است. می‌گوید: «اوایل نگهبانان ساختمان نمی‌گفتند که اینجا کجاست، اما بعدها معلوم شد دفتر احمدی نژاد است.» می‌گوید: «نگهبانان و محافظان به احمدی نژاد می‌گویند حاجی. یک روز به من گفتند بیا به حاجی نامه بنویس و یک کمکی بگیر اما من ننوشتم.»

او نمی‌داند که ساختمان متعلق به کجاست، اما می‌گوید: «اینجا قبلاً استخر بود، دو سال پیش آمدند و مقداری تعمیرات انجام دادند و بعد احمدی نژاد به اینجا آمد.» یکی از تعمیرات، بستن پنجره‌های جنوبی و غربی با آجر است. پیرمردی هم وارد بحث ما می‌شود. پیرمرد از سال 46 ساکن ولنجک است. او نیز احمدی نژاد را دیده است که به این ساختمان می‌آید. پیرمرد می‌گوید: «این ساختمان قبلاً استخر بود و کسی از آن استفاده نمی‌کرد تا دو سال پیش که تعمیراتی انجام دادند و شد دفتر احمدی نژاد.»

محمد رفت و آمدهای بسیاری را به این ساختمان دیده است، او حتی حسین رضازاده را هم دیده است که به دفتر رئیس‌جمهوری سابق می‌رفته. محمد می‌گوید: «می‌گویند دفتر دانشگاهی احمدی نژاد اینجا است.» صفر خودروهایی را که کنار خیابان پارک شده است، نشان داده و ادامه می‌دهد: «همه اینها مربوط به دفتر احمدی نژاد است.»

فراتر از دفتر رئیس‌جمهوری سابق

«ولنجک!» تنها دفتر رئیس‌جمهوری سابق نیست، حتی دفتر دانشگاه ایرانیان هم نیست. هزینه‌های اداره چنین دفتری هم چندان اندک نیست، آن طور که یاران احمدی نژاد ادعا می‌کنند. اینجا نشان می‌دهد آنچه پشت این دیوار خاکستری و لای درختان چنار حیاط ساختمان می‌گذرد، فراتر از ادعای رسیدگی به کارهای اجرایی باقی مانده از هشت سال گذشته است. به نظر می‌رسد مسأله این است که سیاست، فراغت نمی‌شناسد؛ حتی اگر یاران، خلاف آن را گویند.

